



انتشارات صراط



انتشارات صراط

# سنت و سکولاریسم

گفتارهایی از

عبدالکریم سروش، محمد مجتبه شبستری

مصطفی ملکیان، محسن کدیور



مجموعهٔ  
معرفت‌شناسی  
تهران - زمستان  
۱۳۹۲

## فهرست مطالب

### عبدالکریم سروش

- |           |                        |
|-----------|------------------------|
| ۳۶ - ۱    | □ دین و دنیای جدید (۱) |
| ۶۶ - ۳۷   | □ دین و دنیای جدید (۲) |
| ۱۰۷ - ۶۷  | □ سکولاریسم            |
| ۱۲۸ - ۱۰۹ | □ نسبت علم و دین       |
| ۱۵۰ - ۱۲۹ | □ دینداری معیشت‌اندیش  |
| ۱۸۲ - ۱۵۱ | □ دینداری معرفت‌اندیش  |
| ۲۰۹ - ۱۸۳ | □ دینداری تجربت‌اندیش  |

### محمد مجتبه شبستری

- |           |                                       |
|-----------|---------------------------------------|
| ۲۴۴ - ۲۱۱ | □ سه گونه قرائت از سنت در عصر مدرنیته |
|-----------|---------------------------------------|

### مصطفی ملکیان

- |           |                            |
|-----------|----------------------------|
| ۲۶۵ - ۲۴۵ | □ سکولاریسم و حکومت دینی؟! |
| ۳۰۶ - ۲۶۷ | □ معنویت گوهر ادیان (۱)    |

## محسن کدیور

□ از اسلام تاریخی به اسلام معنوی

۳۴۳ - ۳۰۷

□ معنویت گوهر ادیان (۲)

۴۰۴ - ۳۴۵

□ پرسشها بی پیرامون معنویت

## مقدمه

بیش از دو سال از شروع به کار « مؤسسه معرفت و پژوهش » می‌گذرد. طی این مدت مؤسسه در شرح معرفتهای فلسفی (فلسفه دین، فلسفه علم، فلسفه سیاسی، فلسفه تحلیلی، تحلیل فلسفی، زیان تخصصی فلسفه و...) دوره‌های آموزشی متعددی برگزار کرده است. تشکیل جلسات خوانش کتابهای مهم تألیف و ترجمه شده در قلمرو فرهنگ، پیگیری مباحث الاهیاتی و دین پژوهی نوین، بررسی منظومه معرفتی روشنفکران دینی معاصر کشور و تحلیل مباحث مطرح شده توسط ایشان در قالب کلاس درس و جلسات سخنرانی از دیگر فعالیتهای این مؤسسه است. همچنین ترجمه کتب فلسفی - دین شناختی مهم و معتبر عربی و انگلیسی، در دستور کار این مؤسسه قرار دارد. در این راستا ترجمة آثار متفکران عرب زبان معاصر در اولویت است.

واما اثر حاضر:

طی سالیان اخیر، اهتمام اصلی روشنفکران دینی این دیار معطوف به تبیین تحلیلی تر و فلسفی تر مؤلفه‌های مدرنیته\* و ربط و نسبت آن مؤلفه‌ها با اجزاء لایتلف سنت بوده است.

---

\*. عموم این متفکران بر این باورند که می‌توان در منظومه مدرنیته مبان مؤلفه‌های اجتناب پذیر و اجتناب ناپذیر مدرنیته تفکیک و نمیز قائل شد.

اگر انسان مدرن در جهانی دیگر به سر می‌برد، بدین سبب است که وسائل، غایات، مفاهیم (تصورات) و پیش‌فرضهای (تصدیقات) او دیگرگون شده؛ شک‌گرا و حق‌آگاه شده؛ تنها به این عالم ماده عطف نظر کرده و از مراتب دیگر وجود چشم برگرفته؛ اندیشه‌ها و انگیزه‌های او سکولار شده<sup>\*</sup>؛ جهان خارج از او دائمًا به زیر سؤال رفته و جهان درون او دائمًا پیچیده‌تر شده؛ اکثر اتوریتete‌هایی که او بدانها تکیه می‌کرد فرو ریخته؛<sup>\*\*</sup> موجودی خودفرما نهاد و خودفرمانفرما شده<sup>\*\*\*</sup> و....

دغدغه بنیادین این متفکران وطنی، حل معضلاتِ نظری و رفع مشکلات عملی پیش رو برای محقق شدن تجربه دینی (religious experience) در این دنیا را زدایی شده (demystified) است. دنیایی که رائجه‌های معنوی دلربا و بانگهای جریں آشنایی از در و دیوار آن - بسان گذشته - به مشام و گوش درنمی‌رسد.

پرسش اساسی این است: در جهانی که درد و رنجهای امحاء نشدنی بشر افزون گشته، دلهره‌ها و اضطراب‌های وجودی انسان صدق‌نداشده، کثیری از وصالها و بسطها به فراقها و قبض‌ها بدل شده، شاهدهای عهد شباب بسان گذشته طنائزی و هوش‌ربائی نمی‌کنند؛ نشستن بر سر سفره و خوان کرم بنیان‌گذاران ادیان و شریک تجربیات نیکو و احوال خوش ایشان گشتن، برای انسان مدرن تا چه اندازه ممکن است؟ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل.

کدامین مواجهه با میراث گرانقدر پیامبران در این میان راه‌گشاست؟ مواجهه‌ای معرفت‌اندیشانه و استدلالی و عقل‌نظری محور با منظومة معرفتی نبی یا مواجهه‌ای تجربت‌اندیشانه با واقعیت قدسی و از پی رسول به معراج برآمدن و رخ ماهبوسیدن؛ یا از دین معنوی سخن گفتن و تلقی معنوی از دین داشتن و معنویت رالب و گوهر ادیان قلمداد کردن.

\*. نگاه کنید به مقالات «دین و دنیای جدید» در همین مجموعه.

\*\*. نگاه کنید به مقالات «معنویت» در همین مجموعه.

\*\*\*. نگاه کنید به مقاله «سه گونه رویکرد به سنت در عصر مدرنیه» در همین مجموعه.

کتاب پیش رو، عموماً متن تنتیح یافته سخنرانیهای است که توسط اساتید گرامی طی دو سال گذشته بنا به درخواست مؤسسه معرفت و پژوهش و به منظور عمق و غنای بیشتر بخشیدن به این صورت مسئله‌ها در عرصه عمومی و شنیدن پاسخ‌های آن بزرگواران، در محل مؤسسه ایراد گردیده است.

از آقای محمد مجتبه شبستری سخنرانی با عنوان «سه گونه قرائت از سنت در عصر مدرنیته»، از آقای مصطفی ملکیان یک سخنرانی با نام «سکولاریسم و حکومت دینی» و دو سخنرانی با عنوان «معنویت ۱ و ۲» و دو جلسه «پرسش و پاسخ پیرامون معنویت» در این مجموعه گنجانده شده است.

از آنجائیکه آقای دکتر عبدالکریم سروش از دو سال پیش تاکنون در دانشگاه هاروارد مشغول به تدریس می‌باشند، بنابر درخواست مؤسسه، مجموعه‌ای از سخنرانیهای خود تحت عنوان «دین و دنیای جدید» که در همان دانشگاه القا شده و مناسب تامی با مجموعه کنونی دارد، در اختیار ما قرار دادند. آقای دکتر محسن کدیور هم تشخیص دادند به جای سخنرانی‌ای که در مؤسسه داشتند، سخنرانی خود تحت عنوان «از اسلام تاریخی به اسلام معنوی» که تناسب بیشتری با مباحث سایر اساتید دارد، در این مجموعه آورده شود.

در پایان از آقای عبدالرحیم مرودشتی که برای ویراستاری و بسامان کردن این مجموعه از هیچ گونه کوششی دریغ نوزیبدند، صمیمانه سپاسگزارم. و نیز از سرکار خانم هما عطار که در بازیینی نهاینی کار به ما باری رساندند، تشکر می‌گردد.

مدیر

مؤسسه معرفت و پژوهش

سروش دباغ

تابستان ۱۳۸۱

## \* دین و دنیای جدید (۱)

عبدالکریم سروش

قوی‌ترین و مهم‌ترین عنصری که از جهان گذشته برای ما باقی مانده و بهترین نماد عالم قدیم است، دین است، که فعلاً به قوت در جهان جدید حضور دارد و دلها و مغزهای بسیاری را معطوف و متوجه خود کرده است. از سوی دیگر، جهان جدید واجد عناصری است که در پاره‌ای از موارد با جهان قدیم و اندیشه دینی همخوانی و سازگاری ندارند. تلاقی بسیار جدی و مهمی در این زمینه صورت گرفته است. این تلاقی برای بعضیها به معنای نسخ و لغو یکی از دو طرف معادله بوده است. در عین حال، به قول وايتهد<sup>۱</sup>، فیلسوف انگلیسی که سالها در هاروارد تدریس می‌کرد، برخورد علم و دین، یا جهان جدید و جهان قدیم، فرصتی را به وجود آورد. این برخورد برای دینداران و عالمان بلیه یا مصیبت نبود، بلکه فرصتی بود تا به متاع خود با دقت بیشتری بنگرند و سرمایه خود را مورد توجه مجدد قرار دهند.

\* بحثهایی برای دانشجویان دانشگاه‌های هاروارد و MIT، پائیز ۱۳۷۹ (۲۰۰۱ میلادی).  
۱. آلفرد نورث وايتهد (۱۸۶۱ - ۱۹۴۷)، ریاضیدان و فیلسوف انگلیسی.

بر ما ایرانیانی که از دل جامعه‌ای دینی بیرون آمده‌ایم، ذهنیتی حاکم است که نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. پرورش، رشد، شکل‌گیری و قالب ذهنی ما در فضا و محیطی دینی صورت گرفته است و به همین سبب همواره هنگامی که فکر می‌کنیم، نظر می‌کنیم، داوری می‌کنیم، بخشی از ذهنمان معطوف به آن اندیشه‌های نشسته در ضمیر ماست که فرار از آنها برای ما ممکن نیست. بعلاوه، آستین افشاراند و بی‌اعتنایی کردن به نزاع دنیای جدید و قدیم، بیش از آنکه علامت پختگی باشد، علامت خامی است. ما نباید این مسأله را حل شده پنداشیم و به همین سبب نسبت به آن غافل یا بی‌التفات و بی‌اعتنایی باشیم. چگونه ممکن است که انسانی بدون مطالعه، بدون تحقیق و بدون تأمل کافی در این مسأله، به یک نتیجه قطعی نهایی برسد، در حالی که می‌بینیم دانشمندان و فیلسوفان بزرگ هنوز برای حل این معضل تلاش می‌کنند و دست و پا می‌زنند و با این‌همه آن را حل شده و قطعیت یافته تلقی نمی‌کنند؟ این مسأله در حکم پروژه‌ای است که می‌باید سالها روی آن کار کرد تا بتوان به روشنایی نسبی رسید. خوشبختانه در داخل کشور این تأمل بیش آمده است. من در ذهن و زبان کثیری از دانشجویان و جوانانی که با آنها ارتباط و تماس دارم، چنین دغدغه مبارکی را می‌بینم و می‌خوانم. انسان به هر حال باید ذهن خود را در جایی خرج و صرف کند، و چه بهتر که در این قبیل مسائل برکت‌بخش باشد. روزگاری در مغرب زمین می‌پنداشتند که مسأله حل شده است. شما لاجرم نام مکتب و نهضت پوزیتیویسم را شنیده‌اید. یکی از مدعیات خودپسندانه و فخر فروشانه این مکتب این بود که می‌پنداشت برای همیشه قلم بطلان بر آنگونه نزاعهای متأفیزیکی کشیده و ذهن و مغز بشریت را از آنها فارغ کرده است. اما بیش از یک یا دو دهه نگذشت که سنتیهای درونی آن مکتب آشکار شد و معلوم شد که همه آن بلندپروازیها بی‌اصل و بی‌مبنا بوده است. پس از آن ما دوباره به جدّ با این

معضل رو برو شدیم. سؤالاتی هم که در اینجا مطرح شد نشان داد که این مسأله زنده است و فرو نخفته است. من این دغدغه را به فال نیک می‌گیرم و معتقدم که کاوش در این مسأله از شئون و جوانب مختلف، به ما بهره‌های فراوانی خواهد رساند. اینک ببینیم ویژگیها و عناصر دنیای مدرن چیست.

### تفاوت‌های جهان جدید و قدیم

مردم معمولاً از مدرنیته به میوه‌های مدرنیته نظر دارند و ریشه‌های مدرنیته و جهان مدرن کمتر مورد توجه‌شان قرار می‌گیرد. دلیل این امر هم روشن است: انسانها، به تعبیر ساده خودمان، عقلشان به چشم‌شان است. برای عموم مردم، ریشه‌یابی و نقیب زدن به اصول، کاری است که دیرتر و سخت‌تر صورت می‌پذیرد. شما از هر کس پرسید دنیای مدرن یعنی چه، خواهد گفت دنیای مدرن یعنی هوایپما، کامپیوتر، الکتریسیته، زاه آهن، داروهای مدرن، بیمارستانهای خیلی مجهز، بمبهای شیمیایی، پارلمان، احزاب، روزنامه، دانشگاه، بانک، سینما،... و امثال اینها. یعنی آنچه را قبل‌آبوده و اکنون هست به مدرنیته نسبت می‌دهند. مردم درختان و آسمان و زمین را جزو دنیای مدرن نمی‌شمارند. از نظر آنها این امور متعلق به دنیای گذشته‌اند. از نظر آنها بیماری سل نیز متعلق به دنیای گذشته است، گرچه نوع درمان این بیماری را احتمالاً متعلق به جهان جدید خواهند دانست. همین طور است راه حل مسائل ریاضی و... بلی، درست است که آنچه نام بردیم در عالم گذشته وجود نداشته و امروز پیدا شده است، اما این دیدگاه از مدرنیته بسیار ناقص و سطحی است. اگر ما جهان جدید را با این عناصر و مقومات تعریف کنیم، بلاfacile این سؤال مطرح می‌شود که چرا این امور در جهان گذشته نبودند و چرا امروز پیدا شده‌اند؟ چرا عقل گذشتگان، فی‌المثل، به ساختن کامپیوتر یا کشف

الکتریسیته نرسیده است، ولی امروزه به این موفقیتها رسیده‌اند؟ برای اینکه به سؤال دوم پاسخ بدهید باید چند گام به عقب برگردید، از میوه‌ها عبور کنید و به طرف ریشه‌ها بروید و بینید کدام ریشه‌ها هستند که این میوه‌ها را پرورده‌اند. در این بازگشت، در نخستین گام با علم جدید برخورد می‌کنید؛ چون بسیاری از چیزهایی که نام بردیم، بدون تردید فرزندان علم جدید هستند. از این رو، با نگاهی ژرف‌تر می‌توانیم بگوییم آنچه میان جهان جدید و جهان قدیم فاصله می‌افکند و بین آنها خط‌کشی دقیقی انجام می‌دهد، بودن و نبودن علم مدرن است. علم<sup>۲</sup>، و خصوصاً علوم طبیعی<sup>۳</sup>، محصولی امروزین است که بیش از سه‌چهار قرن از تولد آن نمی‌گذرد. چنین جانوری، با چنین مشخصاتی در دنیای گذشته وجود نداشته است. اگر از تکنولوژی، که میوه علم است، کمی عقب‌تر برویم، به خود علم می‌رسیم و می‌توانیم موقتاً آن را به منزله مشخصه عالم مدرن معرفی کنیم.

اما سؤال در اینجا پایان نمی‌پذیرد. کسی که از شما سؤال نخستین را کرده است، اگر هوشمند باشد، به پرسش ادامه خواهد داد و خواهد پرسید، چه شد که علم مدرن به چنگ گذشتگان نیفتاد و به چنگ امروزیان و ساکنان عالم جدید افتاد؟ آیا این امر یک تصادف محض بود؟ یعنی تصادفاً کسانی میکروب، الکتریسیته، یا فشار بخار را کشف کردند و آن‌گاه (چنانکه گاهی تاریخ علم را این‌گونه می‌نمایانند) این اتفاقات می‌مون و مبارک<sup>۴</sup> در کنار هم نشستند و بدنه و کلیتی را به نام علم تشکیل دادند؟ اگر به تعبیر دیگر، آیا مدرنیته یک اتفاق یا مجموعه‌ای از اتفاقات است؟ اگر کسی به این سؤال پاسخ ثبت بدهد و مدرنیته و علم مدرن را محصول

2. science

3. natural science

4. lucky accidents